

چهارضعف اساسی ادبیات هویت‌ساز نوجوانان

سمانه آزاد

کتاب‌ها چگونه هویت را تقویت می‌کنند؟

این پژوهشگر در ادامه به نحوه انجام پژوهش و سؤال‌های مطرح شده در آن پرداخت و گفت: «این پژوهش به روش تحلیل محتوا انجام شده است و سؤال اصلی آن این است که کتاب‌های داستان نوجوانان کانون، چه نسبتی با تقویت هویت اسلامی ایرانی دارند؛ یعنی کتاب‌هایی که از ابتدای سال ۱۳۵۹ تا ابتدای سال ۱۳۸۹ برای نوجوانان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده‌اند، چه نسبتی با تقویت هویت اسلامی و ایرانی دارند؟ ما برای پاسخ به این پرسش اصلی چهار پرسش فرعی به این شرح مطرح کردیم: **پرسش اول:** به لحاظ نظری کتاب‌های داستانی چگونه هویت‌های جمعی، از جمله هویت‌های ملی و دینی، را تقویت می‌کنند؟

پرسش دوم: چه نسبت یا چند درصد از کتاب‌های داستانی منتشر شده در این مقطع زمانی نسبتی با تقویت هویت اسلامی ایرانی داشته‌اند؟ **پرسش سوم:** داستان‌هایی که با تقویت هویت اسلامی-ایرانی مرتبط‌اند، این کار مهم را چگونه انجام داده‌اند؟ یعنی به لحاظ نظری داستان‌ها چگونه می‌توانند هویت اسلامی و ایرانی را تقویت کنند؟

و بالأخره پرسش چهارم: چطور می‌توانیم داستان‌های بررسی شده را از لحاظ تقویت هویت اسلامی ایرانی ارزیابی کنیم؟ به‌طور خلاصه، ما ابتدا نسبت **روایت با هویت** را بررسی کرده‌ایم. سپس نسبت داستان‌ها با **تقویت هویت اسلامی-ایرانی** مورد توجه قرار داده‌ایم و بعد از آن به چگونگی تقویت هویت پرداخته‌ایم. در آخر کار هم درصد نقد و ارزیابی این کتاب‌ها از این منظر برآمده‌ایم.

تیرماه سال جاری، شانزدهمین «جشنواره کتاب کودک و نوجوان» به همت «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» برگزار شد. البته این دوره از جشنواره تفاوت عمده‌ای با دوره‌های پیشین داشت و آن هم‌زمانی‌اش با «روز ملی ادبیات کودک» بود؛ روزی که تا پیش از این در تقویم ملی جایی نداشت اما از امسال، ۱۸ تیرماه، سالروز **مرگ مهدی آذریزدی**، نویسنده «داستان‌های خوب برای بچه‌های خوب»، به‌عنوان روز ملی ادبیات کودک شناخته می‌شود.

در حاشیه این جشنواره، چند نشست تخصصی با حضور کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان برگزار شد که یکی از آن‌ها به «بررسی کتاب‌های داستانی نوجوانان از لحاظ چگونگی تقویت هویت اسلامی و ایرانی» اختصاص داشت. در این نشست **دکتر احمد گل محمدی** نتایج پژوهشی را ارائه کرد که به سفارش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و توسط پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انجام گرفته است. گزارشی که در پی می‌آید، حاصل همین جلسه است.

در این نشست، نخست دکتر احمد گل محمدی رشته سخن را به دست گرفت و گفت: «بررسی کتاب‌های داستانی نوجوانان از لحاظ چگونگی تقویت هویت اسلامی و ایرانی»، در واقع مطالعه موردی کتاب‌های نوجوانان منتشر شده توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹ است. با انجام این پژوهش، فرصت نقد و بررسی یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبیات کودک و نوجوان از منظر متفاوت ایجاد شد.»



الگومندی هویت از طریق روایت

گل محمدی در خصوص پرسش نخست و مفاهیمی همچون هویت و مشارکت در روایت گفت: «پرسش اول این است که به لحاظ نظری (تئوریک) چگونه از طریق داستان، هویت‌سازی یا تقویت هویت صورت می‌گیرد. جالب است بدانید که پژوهش‌های نظری در این زمینه به نسبت داستان با هویت‌سازی مربوط می‌شود.

این پرسش بسیار ساده‌ای است اما پیش از آن باید به مفهوم مشارکت در روایت پرداخت. هر نوع مشارکت در روایت هویت‌سازانه است. چه داستانی را بنویسیم، چه بخوانیم و چه گوش دهیم، عملی هویت‌سازانه انجام داده‌ایم. اهمیت موضوع در این است که بخش عمده‌ای از تولیدات زبانی ما در قالب روایت است و بعید به نظر می‌رسد کسی روزانه داستان و روایتی نشنود.»

این عضو هیئت علمی «دانشگاه علامه طباطبایی» در ادامه به مفهوم هویت اشاره کرد و افزود: «هویت نوعی ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی است. به عبارت دیگر، ادراک چیستی خود در رابطه با دیگری که با ارزش‌گذاری و احساسات همراه باشد، یکی از تعاریف هویت است که بر سر آن اجماع وجود دارد. از این لحاظ، هویت‌سازی نوعی معنا‌سازی است؛ یعنی هویت ذیل معنا قرار می‌گیرد. به این معنا که هویت‌سازی و معنا‌سازی نوعی درک مشترک است و این معنا‌سازی لاجرم در قالب زبان اتفاق می‌افتد. هر نوع معنا‌سازی و فهم مشترک از طریق بازنمایی زبانی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، بر زبان آوردن نوعی کنش اجتماعی هم محسوب می‌شود. به عبارتی، ما با ادای جملات و بر زبان آوردن کلمات، کنشی را هم انجام می‌دهیم. مثلاً جمله

قول می‌دهم کتاب شما را بباورم، صرفاً توصیف امر واقع نیست، بلکه ایجاد واقعیتی به نام قول دادن و آوردن است. به زبان ساده، بیان کردن نوعی ایجاد کردن است. همچنین، وقتی در قالب روایت مشارکت می‌کنیم، روایت و داستانی را می‌نویسیم، به داستانی گوش می‌دهیم و یا فیلمی را می‌بینیم، نوعی عمل هویت‌سازی انجام می‌دهیم.»

دکتر گل محمدی از ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی به‌عنوان مؤلفه‌های هویت یاد کرد که روایت آن‌ها را الگومند می‌کند: «هویت سه مؤلفه دارد: ادراک، ارزش‌گذاری و احساس‌یابی. این سه مؤلفه به‌صورت خام در همه انسان‌ها وجود دارد؛ یعنی همه ما توانایی ادراک، احساس و ارزش‌گذاری را داریم ولی نکته ظریف اینجاست که توانایی‌های عام ما در قالب ادراک، احساس‌یابی و ارزش‌گذاری از طریق روایت الگومند می‌شود. زبان در قالب داستان به ادراک و نوع نگاه ما درباره دیگران الگو می‌دهد. به‌عبارت دیگر، از طریق داستان الگوهایی را کسب می‌کنیم که ما را به سلسله ادراکات، احساسات و ارزش‌گذاری‌های معین رهنمون می‌کند. چرا که خارج از بازی زبانی هیچ نوع ادراک یا ارزش‌گذاری‌ای صورت نمی‌گیرد.»

اهمیت یافتن الگوهای ارزش‌گذاری و احساس‌یابی از طریق داستان، نکته دیگری بود که این پژوهشگر به آن اشاره کرد: «این موضوع به‌ویژه در کودکان و نوجوانان اهمیت دارد. آن‌ها از طریق خواندن روایت‌ها، الگوهای ارزش‌گذاری و احساس‌یابی پیدا می‌کنند. حتی روایت داستانی می‌تواند احساس دوست داشتن یا نفرت ورزیدن را الگومند کند. مثلاً آشنایی با مار یا سگ در قالب روایت، کلیشه‌ای می‌سازد که نسبت احساس‌ی ما با این موجود بیرونی را مقید و محدود می‌کند. این موضوع



در اکثر موارد، هویت‌های مثبت با تعریف هویت‌های منفی نشان داده شده‌اند؛ در حالی که می‌توانیم هویت‌های نسبی، یعنی مکمل، ایجاد کنیم

به‌ویژه در کودکان صدق می‌کند و از این طریق می‌توان به آن‌ها گفت که چه چیزی ارزشمند و چه چیزی ارزشمند نیست، یا چه تیپ شخصیتی را باید دوست داشت. جوهر این نسبت در واقع الگو بخشیدن به توانایی‌های ادراکی و احساسی و ارزش‌گذاری انسان‌هاست که هویت‌سازی هم چیزی جز این نیست.»

غلبه هویت اسلامی بر ایرانی

براساس چارچوب نظری این پژوهش که روایت را «الگو بخش توانایی‌هایی ادراکی، احساسی و ارزش‌گذاری انسان‌ها می‌داند»، ۲۸۵ کتاب شناسایی و بررسی شدند تا نسبت آن‌ها با تقویت هویت اسلامی ایرانی مشخص و به پرسش دوم پاسخ داده شود. دکتر احمد گل‌محمدی در این‌باره توضیح داد: «من و همکارانم همه کتاب‌هایی را که در مقطع زمانی ابتدای سال ۱۳۵۹ تا ابتدای ۱۳۸۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده‌اند، جمع‌آوری کردیم تا به پرسش دوم پاسخ دهیم که چه نسبتی از داستان‌ها با تقویت هویت اسلامی ایران ارتباط دارند. در مجموع ۲۸۵ کتاب را شناسایی کردیم که از میان آن‌ها ۷۲ کتاب یا ۲۶ درصد نسبت و ارتباطی با تقویت هویت اسلامی - ایرانی داشتند. یعنی با توجه به چارچوب نظری، ویژگی‌هایی را در این داستان‌ها پیدا کردیم که نشان‌دهنده

ارتباط با تقویت هویت اسلامی - ایرانی بود. به این منظور نیز عنوان داستان، تصویر روی جلد کتاب و چکیده داستان را مدنظر قرار دادیم.»

گل‌محمدی در ادامه به تفکیک به نسبت داستان‌های مرتبط با هویت اسلامی و هویت ایرانی اشاره کرد و گفت: «از میان ۷۲ کتاب، ۶۱ داستان با هویت اسلامی مرتبط بودند. یعنی در چکیده، عنوان یا تصویر کتاب می‌توانستیم این پیوند را بازنمایی کنیم. پس تقریباً ۷۳ درصد از کتاب‌ها با تقویت هویت اسلامی مرتبط بودند.»

از سوی دیگر حدود ۱۴ درصد، یعنی تنها ۱۰ داستان از ۷۲ داستان، با تقویت هویت ایرانی مرتبط بودند و مصادیق ارتباط با تقویت هویت ایرانی در ۱۰ کتاب به چشم خورد. اما در این میان نکته‌ای قابل توجه بود: در حالی که پیوندهای تقویت هویت اسلامی کاملاً پررنگ و با الگوی نظری کاملاً هماهنگ بودند، درباره تقویت هویت ایرانی این موضوع بسیار ضعیف بود. ما در این مورد مسامحه کردیم تا معیارها هماهنگ باشند. در میان همه کتاب‌های شناسایی شده، تنها یک مجموعه به نام **مرز پرگهر** با هویت ایرانی در ارتباط بود. یعنی اگر این مجموعه را کنار بگذاریم، دیگر هیچ کتابی با هویت ایرانی در ارتباط نبود.»

نسبت کتاب‌های مرتبط با تقویت هویت اسلامی - ایرانی موضوع دیگری بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت؛ یعنی داستان‌هایی که نشانه‌های تقویت هر دو هویت اسلامی و ایرانی در آن‌ها دیده می‌شود. به گفته گل‌محمدی تعداد بسیار کمی از کتاب‌ها با تقویت این نوع هویت در ارتباط بوده‌اند: «میزان بسیار ناچیزی از کتاب‌هایی که در این سی سال در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده‌اند، با تقویت هویت مشترک اسلامی - ایرانی پیوند داشتند. تنها یک کتاب در این زمینه وجود داشت و آن داستانی درباره **سلمان فارسی** بود که نشانه‌هایش منطقاً هویت اسلامی - ایرانی را منتقل می‌کرد. البته در این داستان هم شخصیت سلمان به گونه‌ای بازسازی شده است که هویت اسلامی او بر هویت ایرانی‌اش غلبه دارد.»

بسیخ ارزش‌گذاری‌های مثبت

«پیوند و نسبت داستان‌ها با تقویت هویت اسلامی - ایرانی چگونه در داستان‌ها نمود پیدا می‌کند؟» این پرسش سوم پژوهش است که احمد گل‌محمدی درباره آن چنین توضیح داد: «در کتاب‌های بررسی شده، تقویت هویت اسلامی - ایرانی از طریق نسبت دادن ویژگی‌های مثبت به شخصیت‌های مسلمان و یا ایرانی داستان صورت می‌گیرد. به

هدف را تضعیف می‌کند. باید توجه داشت که نسبت ساده‌ای بین تولید روایت و مصرف آن وجود ندارد. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که نمی‌توان به یقین گفت خواننده داستان حتماً ذهنیت از پیش تعیین شده و مدنظر مؤلف را پیدامی‌کند.»

دکتر گل محمدی در ادامه به ویژگی‌های مجموعه کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخت و راهکارهایی را برای رسیدن به نتیجه بهتر ارائه داد: «براساس یافته‌های نظری و تجربی، اگر بخواهیم هویت اسلامی-ایرانی را از طریق روایت تقویت کنیم، باید از چهار نکته بهره‌برداریم:

۱ در داستان‌های بررسی شده، نمونه‌های هویت‌سازی مطلق باورانه زیاد به چشم می‌خورد؛ در حالی که هویت‌سازی نباید مطلق باورانه باشد. در دهکده جهانی که باورهای هویت‌ساز تقریباً فروریخته‌اند، هویت‌سازی مطلق باورانه سخت است و چه‌بسا تأثیر مطلوب نداشته باشد.

۲ هویت ایرانی و اسلامی دارای توازن نیست. اگر مجموعه «مرز پرگهر» در میان کتاب‌های منتشر شده نبود، مصادیق تقویت هویت ایرانی در حد صفر بود. این هم یکی از دستاوردهای پژوهش است که متولیان تولید کتاب‌های کودک و نوجوانان باید به آن توجه داشته باشند.

۳ «در ساده‌ترین تعریف، رمانتیسیسم را غلو یا اغراق یا برجسته‌کردن غیرطبیعی شخصیت‌های داستانی برای بسیج احساسات خوانندگان تعریف می‌کنیم. اگر رمانتیسیسم و اغراق خیلی پررنگ باشد، ای بسا تأثیر عکس بگذارد. پس باید سعی کنیم شخصیت‌ها را آشناتر پردازش کنیم. در رابطه با این موضوع، یک مطالعه تجربی درباره کتاب‌های کودکان و نوجوانان آمریکا بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر انجام گرفته است که نشان می‌دهد پس از این واقعه، آن‌ها سعی کرده‌اند در داستان‌های نوجوانان قهرمان‌سازی کنند که البته چندان تأثیر نداشته است. این موضوع در داستان‌های بررسی شده نیز برجسته است و نوعی رمانتیسیسم پررنگ در آن‌ها دیده می‌شود.

۴ در بررسی این مجموعه با هویت‌سازی تضادآمیز هم مواجه شدیم. در اکثر موارد هویت‌های مثبت با تعریف هویت‌های منفی نشان داده شده‌اند؛ در حالی که می‌توانیم هویت‌های نسبی، یعنی مکمل، ایجاد کنیم. مطالعات نشان داده‌اند که روایت هویت‌های تضادآمیز شاید در کوتاه‌مدت موفقیت‌آمیز باشد اما در بلندمدت مؤثر نیست.»

بیان ساده‌تر، این امر از طریق نسبت دادن مصادیق درستی، خوبی و زیبایی به شخصیت‌های مسلمان و یا ایرانی داستان، و نسبت دادن نادرستی، زشتی و نازیبایی به شخصیت‌های نامسلمان و غیرایرانی داستان، که در برابر شخصیت‌های ایرانی اسلامی قرار دارند، صورت می‌گیرد.

این موضوع در هر سه سطح، یعنی هم در چکیده، هم در عنوان و هم در تصویرهای روی جلد دیده می‌شود. مثلاً در چکیده داستان، ویژگی‌هایی مانند موشکاف، استوار، رستگار، امین، بالنده، خورشید صفت و... با شخصیت مسلمان یا ایرانی داستان نسبتی دارند. همچنین، در عنوان داستان واژه‌هایی مانند بهار، نظر کرده، شکوه و... را می‌بینیم. تصویرها نیز همین گونه‌اند و از مؤلفه‌های بصری مانند رنگ‌های شاد، به خصوص سبز و آبی، و هاله نور برای نسبت دادن راستی، درستی و خوبی به شخصیت‌های داستان بسیار استفاده شده است.

می‌توان گفت از این مؤلفه‌ها برای بسیج ارزش‌گذاری‌های مثبت به‌سوی مصرف‌کننده داستان استفاده شده است. یعنی حتی شخصیت‌پردازی هم به‌گونه‌ای است که خواننده کودک و نوجوان بفهمد که شخصیت ایرانی مسلمان شخصیت خوب داستان است.»

چهار ضعف اساسی

پرسش چهارم این پژوهش در مقام نقادی و ارزیابی است: «داستان‌های بررسی شده از لحاظ تقویت هویت اسلامی-ایرانی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟»

گل محمدی در این باره توضیح داد: «پاسخ این پرسش براساس یافته‌های تجربی کشورهای دیگر انجام شده است. در این زمینه دایره‌المعارف ادبیات کودکان و نمونه‌های تحقیقاتی که در زمینه نسبت روایت با هویت در کتاب‌های کودکان و نوجوانان انجام گرفته‌اند، در نتیجه‌گیری به ما کمک کرد. اگر بخواهیم با توجه به یافته‌های نظری و تجربی، روایت‌هایی تولید کنیم که هویت اسلامی و ایرانی را بیش از پیش تقویت کنند، مسئولان، متولیان، مؤلفان و نویسندگان باید به نکاتی توجه داشته باشند؛ نکاتی که در بیشتر مجموعه کتاب‌های بررسی شده به آن‌ها توجه نشده است. پژوهش‌های تجربی کشورهای دیگر نشان می‌دهند که اگر بخواهیم هویت اسلامی را این‌گونه تقویت کنیم، ای بسا به بیراهه برویم یا کارهایمان نتیجه عکس بدهد.»

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش ادامه داد: «این مجموعه کتاب‌ها چهار ویژگی دارند که با توجه به مطالعات نظری می‌توان فهمید وجود آن‌ها رسیدن به